

بقلم: آقای مخبر همایون

از دفتر خاطرات

تاریخچه تأسیس و اصلاحات اداری در تشکیلات جدید

مالیات بر املاک مزروعی - در زمان مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر اول اصلاحی که شروع شد ممیزی املاک کشاورزی بود. میزان محصول هر قریه از مقدار غله بدست میآمد و مالیات جنسی وضع گردید و بر محصولات صیفی نیز مالیات نقدی تعیین شد. در مدت یک قرن مالیات بهمین ترتیب اخذ گردید و با مختصر تغییراتی هنوز از همین قرار اخذ میشود. یک مالیات نقدی هم تحت عنوان (سرانه بر کارگران و صنعتگران تحمیل گردید و در حقیقت مالیات را فقط رعایا میپرداختند و سرمایه داران از پرداخت آن معاف بودند. باین مالیاتهای متمادی مخارج اداری و قشون تامین میگردد.

سربازگیری - تأسیس دیگر اداره سربازگیری بود و تشخیص عده سربازان هر محل بر عهده مستوفیان بود.

بدین منظور ساکنان قراء سرشماری شدند. این نوع خدمت نظامی را میتوان داوطلبانه نامید زیرا که رعایا جوانانی را با رضایت پدرانشان انتخاب میکردند. اگرچه انتخاب سربازان برای مدتی نامحدود بود ولی شش ماه بیشتر خدمت نمیکردند و در مدت خدمت حقوق آنها از جیره و علیق و نقدی بر عهده دولت بود و مخارج خانوادههایشان بر عهده کشاورزان بود و این خدمت شش ماهه محلی نامیده میشد و چنانچه سرباز از خدمت معاف میگردد حقوق شش ماهه او باید بدولت عاید گردد.

فرهنگ - از تأسیسات دیگر مدرسه دارالفنون بود. در آغاز معلمینی از فرانسه و اطریش استخدام شدند. نخستین وزیر فرهنگ میرزا محمد خان امیر تومان که بعد بشجاع السلطنه ملقب گردیده بود سپس شاهزاده اعتضاد السلطنه و بعد علیقلی خان مخبر الدوله و پس از او نیرالملک این وزارتخانه را اداره می‌کردند تا آنکه تشکیل هیئت وزراء معمول گردید و وزیر فرهنگ نیز هنگام سقوط کابینه مانند دیگر وزیران تغییر پیدا می‌کرد.

اداره تکدی مسأله گدائی هم کم کم صورت اداری بخود گرفت و شخصی بنام ... امور تکدی را در معابر تنظیم مینمود و از هر سائلی سهی دریافت می‌کرد.

پست - برای تأسیس اداره پست یکنفر بنام آرنولد آلمانی استخدام و علی خان امین الدوله بوزارت برقرار شد. برای محصولات پستی چاپارخانه‌هایی بفاصله سه یا چهار فرسخ راه تأسیس شدند. در هر چاپارخانه چند اسب نگاهداری میشد و محمولات را حمل می‌کردند چاپاریان اسبها را در هر چاپارخانه تغییر داده روزی ده تا پانزده فرسخ طی طریق مینمودند و سافرین هم از همین اسبها استفاده می‌کردند. نگارنده یکمرتبه از قزوین تا تبریز و دفعه دیگر از رشت تا قزوین با اسب چاپاری متفقاً با مرحوم مخبر السلطنه مسافرت نمودیم. در شهرها باجه‌های پستی افتتاح شد.

بیاد دارم روزی زنی پاکت خود را بعنوان شوهرش در باجه‌ای داد باین تصور که کارمند پست باجه خودش حامل نامه خواهد بود. باو گفت ترا بخدا خودت او را پیدا کن و پاکت را بدستش بده و از حالش استفسار کن و خبر آنرا برای من بیاور.

تلگراف - خط اول تلگراف خطی بود که از لندن بسرحد روسیه و از روسیه تا سرحد آذربایجان و از آنجا در خاک ایران تا کرمان و بوشهر امتداد یافت. در

همان تاریخ در ایران هم با کمک راهنمایی مأموران انگلیسی سیمکشی معمول گردید و تلگرافهای خارجه بتوسط تلگرافخانههای انگلیس مخابره میشد. از ابتدا عایدات مخابرات تلگرافی بطور مقاطعة بوزراء واگذار میشد چنانچه اعتضاد السلطنه و سپس مخبر الدوله دونفر از وزراء تا آغاز مشروطیت عهده دار این کار بودند.

تأسیس بیمارخانه - يك بیمارخانه مجهز بسعی مخبر الدوله در طهران تأسیس شد این بیمارخانه از لحاظ آمادگی و وسایل کار نظیر بیمارستانهای اروپا بود.

در همین تاریخ عدهای از زنان تارك دنیا هم از فرانسه بطهران آمده پرستاری فقرارا برعهده گرفتند. این بیمارستان مجانی بود و مخارجش از فرانسه تأمین میشد.

عایدات گمرک - عواید حقوق گمرکی مانند تلگراف بمقاطعه واگذار میشد سرحدات و بنادر مقاطعه کاران مختلف داشتند تا آنکه سه نفر بطور شرکت آنرا باجاره برداشتند یکی از این سه نفر صنیع الدوله بود که در آمد گمرکی آذربایجان را در اختیار داشت.

صنیع الدوله مخبر السلطنه را مأمور آذربایجان نمود که سرپرستی گمرک و تلگراف و فرهنگ آن ناحیه را برعهده بگیرد و نویسنده این سطور هم بمعیت مخبر السلطنه عازم تبریز گردیده و بخدمت دولتی وارد شدم.

در همین ایام در تبریز اتفاقی افتاد که ذکر آن در اینجا بی مناسبت نخواهد بود. امیر نظام دوم حسنعلی خان گروسی که یکی از رجال دانشمند و نویسنده و دارای خطی خوش بود سالها در فرانسه و چند کشور دیگر اروپا سفیر بود. در اواخر عمر ماموریت یافت که مشاور و راهنمای ولیعهد باشد ولی پس از مدتی از سمت خود استعفاء داد اما مورد قبول واقع نشد.

روزی نانوائی در تبریز مرتکب خلافی گردیده بود بحکم امیر نظام دکان او را بستند این نانوا از اتباع روسیه بود. قنصل روس اعتراض کرد و از امیر نظام

خواست که رفع مزاحمت از او بشود ولی امیر نظام نپذیرفت در نتیجه بتحریک ولیعهد و قنصل روس بر علیه امیر نظام در شهر بلوایی بوقوع پیوست . امیر نظام ناچار از شهر خارج گردید و در باسج که در سر راه طهران قرار داشت توقف کرد و استعفای خود را تلگرافی خواستار شد ولی منتظر جواب نگردیده عازم طهران گردید .

چون جاده ارا به رو نبود ناچار چند فرسخی را بوسیله اسب طی کرده با حال کسالت در قهوه خانه ای برای کمی استراحت فرود آمد . در همین موقع درشکه برای حرکت حاضر بود و امیر نظام که بسبب کسالت بسختی میتوانست سخن بگوید خطاب به مخبر السلطنه که بانویسنده این سطور در قهوه خانه بعنوان خدا-حافظی حاضر بودیم کرده گفت این نتیجه شصت سال خدمت بمملکت است سپس او را در روی صندلی نشانیده و در درشکه ای قرار دادند و ما در حالیکه سخت متأثر بودیم درشکه بسوی طهران حرکت نمود . چندی نگذشت که مخبر السلطنه باتفاق نگارنده از همان طریق عازم طهران گردیدیم .

وزارت خارجه - در سال ۱۲۹۹ قمری وزارت خارجه تأسیس شده پیرزا حسن خان مشیر الملک پسر ارشد میرزا نصرالله خان مشیر الدوله در روسیه تحصیلاتی کرده مراجعت نموده بود بتقاضای پدر وزارت خانه را با اصولی صحیح تشکیل داده یک مدرسه حقوق هم تأسیس کرد .

بی مناسبت نیست که نام چند نفر از سفرای ایران را در اینجا ذکر نمایم :
درتر کیه شیخ محسن خان مشیر الدوله که بسیار طرف توجه سلطان حمید بود ،
در پاریس حسنعلی خان امیر نظام مدت سفارتش سی سال دوام داشت و در ممالک دیگر هم بسفارت معرفی شده بود ولی مقر خود را در پاریس قرار داده بود .
در روسیه سیف الملک بود که از وی گزارشهای تأسف انگیزی نقل گردیده

بود و فخر الملك معروف به کفری بعضی از آن وقایع را یادداشت کرده بود که ما اینک از شرح آن در اینجا خودداری مینمائیم .

در اواخر سلطنت ناصر الدینشاه چند تن از ارامنه بسفارت رسیده بودند . در لندن ملکم در پاریس نظر آقا و دروین نریمانخان چندین سال سفیر بودند . در آن زمان دول آلمانی عقد ائتلافی با اطریش بسته بودند و یایتخت آنها دروینه بود و نریمان در این پایتخت بسفارت معرفی شده بود .

پروس دولتی بود کوچک بیسمارک ظهور کرد و دولت پروس را جزء اتحادیه آلمان نموده و از ائتلاف با اطریش صرف نظر نمود . دولت آلمان جدید در اثر کاردانی بیسمارک بزرگترین قدرت اروپا گردید و ناصر الدینشاه بدین منظور که در برابر تقاضاهای بی حد و حصر و غیر منطقی روس و انگلیس نقطه اتکائی بدست آورد مخبر الدوله را بعنوان سفیر فوق العاده به برلن روانه کرد . تقاضای ایران برای رد و بدل نمایندگان مورد موافقت دولت آلمان واقع گردید و اول سفیر این دولت وارد طهران شد . در برلن از مخبر الدوله تقاضا شده بود که سفارتخانه برای آلمان در نظر گرفته شود مخبر الدوله هم در خیابانی که حالا فردوسی نامیده میشود ساختمان جدیدی بنا کرده و پس از چند سال مالکیت آن را بآلمان واگذار نمود . نویسنده این سطور بامشیر الملك مؤسس وزارت خارجه آمیزش داشتم دعوتم کرد بخدمت وزارت خارجه داخل شوم چون زبان فرانسه میدانستم در سه اداره بسمت معاونت منصوب گردیدم .

روزی وزیر خارجه در دفتر مشغول رسیدگی بامور بود مدیران و کارمندان جمع بودند مسیو نوس هم برای انجام کاری آمده بود نویسنده در انتظار فرصت برای انجام کارها با مسیو نوس کناری صحبت میکردیم از من سؤال کرد کدامیک از این مدیران میدانند مملکتی را که اسم آنرا بر سر زبان میآوردند در کجای دنیا

واقع شده است نویسنده نظری انداخته فقط مفتاح السلطنه را که دارای اطلاعاتی بود به مسیو نوس معرفی نمودم او بمن خطاب کرده گفت تو در چنین محیطی چه میکنی جای تو در وزارتخانه منست و معادل حقوقی که به بلژیکیها داده میشود در باره شما هم برقرار خواهد شد. حد اقل این حقوق ماهی سیصد تومان بود و در وزارتخانه حقوقی داده نمیشد مگر بمأمورینی که در خارج بودند. دعوت را پذیرفته و قبول خدمت کردم قرار شد بایکی از بازرسان باداره گمرک بروم تا بگریان کارهای گمرک آشنای شوم. در مدت یکماه تمام بنادر بحر خزر تحت بازرسی قرار گرفت و پس از یکماه بازرس بلژیکی مأمور آستارا شد و نویسنده سطور بسمت بازرس کل بحر خزر منصوب گردیدم.

مدت دو سال در تمام سرحدات ایران در جنوب و شمال بریاست بنادر مشغول خدمت بودم در این موقع ناصر الملك نایب السلطنه در نظر گرفت حساب دارائی را از سیاق به هندسه تبدیل کند و لازمه این کار تأسیس يك وزارت دارائی و استخدام چند کارمند حسابدان بود. ناصر الملك از مسیو نوس خواست که یکنفر از اعضاء وزارتخانه خود را برای تأسیس وزارت دارائی معرفی کند او نویسنده این مقال را معرفی نمود.

بقیه دارد

حکیمی که با جهال در افتاد باید که عزت توقع ندارد اگر
جاهلی بزبان آوری و شوخی غالب آید عجب نیست سنگی است که
کوهی را همی شکند.

(سعدی)